

## ارتباط سازنده و تعاملی والدین با فرزند و نقش آن در بهبود کیفیت آموزش و پرورش

هلن انوری علی آباد ۱، کامیار آقایی ۲ و علیرضا سلمانی ۳

۱. کارشناس ریاضی گرایش دبیری ریاضی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب و آموزگار

Hanvari1361363@gmail.com

۲. کارشناس آموزش ابتدایی گرایش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان تربت حیدریه

Kamyaraghaei75@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

Salmanialireza044@gmail.com

### چکیده

رفتارها و اقدامات پدر و مادر می‌تواند نقش به‌سزایی در انجام تکلیف و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز داشته باشد. والدین می‌توانند برای جلوگیری از احساس تنهایی در دانش‌آموز مانند یک همکلاسی یا مربی تسهیل‌گر در کنار فرزند خود به آموزش مشغول شوند. با همراهی والدین، دانش‌آموز در هنگام آموزش احساس تنهایی کمتری دارد و فرصتی فراهم می‌شود تا والدین پاسخگوی سوالات و ابهامات دانش‌آموزان باشند. خانواده در عملکرد تحصیلی فرزندان نقش ثانویه‌ای را بازی می‌کند و واضح است که مدرسه، مسئول یادگیری بچه‌هاست. ارتباط موثر بین خانه و مدرسه باعث می‌شود دوگانگی آموزشی و تربیتی کمتر شده و دیدگاه هم‌سوایی بین آن دو در مورد تحصیل، تربیت و پیشرفت برقرار شود. در این مقاله برآنیم که به بررسی ارتباط والدین و با فرزندان و تأثیر آن در ارتقا و بهبود کیفیت آموزش بپردازیم. بدین منظور از روش تحلیلی و توصیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، گویای آن است که والدین می‌توانند با همراهی کردن با دانش‌موز، نقش رهبری، راهنمایی و همراهی و دوستی را بر عهده گیرند و به میزان چشمگیری در بهبود کیفیت آموزش سهیم باشند.

واژگان کلیدی: دانش‌آموز، والدین، تعامل، آموزش و پرورش، بهبود کیفیت.

**۱- مقدمه**

یکی از اصلی‌ترین مواردی که بسیاری از پژوهشگران و روان‌شناسان بر آن واقف هستند، تأثیر رفتار و عملکرد خانه و خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. خانه و مدرسه به عنوان نهادهای اصلی و تأثیرگذار در زمینه آموزش و پرورش به حساب می‌آیند. هر یک از این دو نهاد مهم و ارزشمند، نقش خاص و ویژه‌ای در تربیت فرزندان برعهده دارند. چنانچه بپذیریم که انسان یک موجود زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی است، ضروری می‌نماید که در ابعاد مختلف رشد و توسعه یابد تا بتواند به انسان کامل مورد نظر دین مبین اسلام نزدیک شود (کریمی، ۱۳۸۵: ۳۴). آنچه معمول است این است که دانش‌آموزان در مدرسه تعلیم و تربیت رسمی و در خانه بیشتر تعلیم و تربیت غیر رسمی را فرا می‌گیرند و هر اندازه آموزش و تربیت در این دو نهاد یکسان و همسو باشد، موجب خواهد شد یادگیری و تربیت آنان پایدارتر و مثمر ثمرتر باشد. بنابراین توجه به یکی از دو مقوله خانه و آموزش و پرورش و غفلت از دیگری، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکره جامعه ایجاد خواهد نمود. ایجاد ارتباط بین این دو باعث خواهد شد در آینده شاهد انسانهایی متعادل، متعالی، مومن، متعهد و رشدیافته باشیم (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳).

**۱-۱- بیان مسئله**

خانواده اولین پایه گذار شخصیت و ارزش‌های فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک زندگی آینده فرد دارد. در این میان حفظ ارتباط مثبت بین والدین و فرزندان باعث انگیزه آنان نسبت به موفقیت تحصیلی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد، آموزش اصولی، بر مبنای برنامه‌ریزی صحیح و از سن پایین آغاز می‌شود و از طرفی بخش عمده‌ای از آموزش مربوط به خانواده است. به عبارتی والدین خواسته یا ناخواسته تکمیل‌کننده و یا مختل‌کننده آموزش‌های ارائه شده در مدرسه بوده و در آموزش و پرورش کودکان دخیل هستند (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۹۵).

در شرایط کنونی که مدارس بعد از وقفه ای دو ساله، بازگشایی و آموزش حضوری را آغاز کرده اند، نقش خانواده خصوصاً والدین در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بیش از پیش احساس می‌شود. خبرنگار خبرگزاری علم و فناوری در این بخش خبری به بررسی رابطه نقش والدین در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از دیدگاه محققان پرداخته است. از آنجایی که نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان نقش بسیار اساسی و مهم در زندگی فرد است و خانواده کانون پرورش نسل آینده است در این کانون نهال ارزشهای انسانی که بذر آنها در لحظه آفرینش در ضمیر آدمیان پاشیده شده باید رشد و نمو کرده درخت انسانیت به بار نشیند از این رو هیچ یک از نهادهای اجتماعی نقشی را که خانواده در ساختار فکری، شخصیتی، روحی، اخلاقی انسان دارد نمی‌توانند ایفا کنند. با توجه به رشد روزافزون جمعیت و پیچیده شدن جامعه و اینکه سه چهارم اوقات بچه‌ها در نزد خانواده‌ها سپری می‌شود باید به بررسی نقش خانواده و کارکردهای اساسی این نهاد مقدس توجه خاص مبذول داشت (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳).

در این مقاله می‌کوشیم که ضمن مروری بر ماهیت آموزش و دانش‌آموز و مدرسه، چگونگی ارتباط والدین به دانش‌آموز و کلیت نهاد آموزش را بررسی نماییم و نقش مثبت این ارتباط را در ارتقای سطح کیفی آموزش دانش‌آموزان تبیین نماییم.

**۱-۲- پیشینه پژوهش**

با توجه به اهمیت نهاد آموزش و پرورش و لزوم بررسی این نهاد و کارکردهای آن از زاویه‌های گوناگون، تا کنون پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام شده است که از میان آن‌ها مواردی که مربوط به رابطه والدین با دانش‌آموز باشد عبارتند از:

- عسگری، زهرا؛ جزایری، رضوان السادات. (۱۳۹۷). «رابطه والد- فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی در خانواده‌های مادر سرپرست». *مجله روان‌شناسی خانواده*. شماره ۲. صص ۳-۱۴. در این مقاله می‌خوانیم: والدین نقش مهمی در وضعیت تحصیل فرزندان خود دارند. موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان تک سرپرست در بستر رابطه والد-فرزند یکی از بحث برانگیزترین موضوعات است که مورد نظر دانش‌آموزان و خانواده‌ها است. بنابراین، هدف این پژوهش کیفی واکاوی رابطه والد-فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان مادر سرپرست بود. مشارکت کنندگان ۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر دبیرستانی

تحت حمایت انجمن صاحب الزمان (عج) در شهر اصفهان بودند. داده ها در طول مصاحبه های نیمه ساختاریافته جمع آوری و با استفاده از روش تحلیل مضمون، تحلیل شدند. یافته ها شامل یک مضمون اصلی به نام رابطه والد-فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی و شش مقوله شامل ادغام نقش پدران و مادران، خانواده رابطه مدار، حمایت مادران، تأمین نیازهای رشدی، الگوپذیری از مادر و موفقیت جویی بود. می توان نتیجه گرفت این پژوهش درک تازه ای از رابطه والد-فرزند در تجربه موفقیت تحصیلی دانش آموزان مادر سرپرست ارائه داده است. بدین صورت که ادغام نقش پدران و مادران همراه با تداوم حمایت مادران، ایجاد محیط رابطه مدار در خانواده و تأمین نیازهای رشدی فرزند از مهم ترین مسئولیت های مادران است. همچنین، الگوپذیری از مادر و موفقیت جویی می تواند بر وضعیت تحصیلی دانش آموزان تأثیر مثبت داشته باشد.

- عبادی، غلامحسین؛ برون، رضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه تعارض زناشویی و نظارت والدین با انگیزه تحصیلی دانش آموزان. «مجله مشاوره کاربردی». شماره ۱. صص ۳۵-۵۰. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه تعارض زناشویی و نظارت والدین با انگیزه تحصیلی دانش آموزان پایه اول متوسطه شهر اهواز بود. نمونه مورد مطالعه شامل ۴۸۱ دانش آموز (۷۷ پسر و ۴۰۴ دختر) بودند که از بین دانش آموزان سال اول دبیرستان های شهر اهواز با روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. مقیاس تعارض زناشویی (PMCS)، مقیاس نظارت والدین (PMS)، سنجح اطلاعات عمومی مدرسه (GSIM) ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش بودند. جهت بررسی ابعاد مختلف مساله پژوهش شش فرضیه طراحی شد. برای آزمون فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و روش رگرسیون و آزمون معناداری سوبل استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که تعارض زناشویی با انگیزه تحصیلی دانش آموزان رابطه منفی معنادار و نظارت والدین با انگیزه تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت معنادار دارد. براساس شواهد بدست آمده نظارت والدین میانجی رابطه بین تعارض زناشویی و انگیزه تحصیلی دانش آموزان است. نتایج پژوهش حاضر یک فرایند والدینی محتمل را نشان می دهد که در آن تعارض زناشویی و نظارت والدین می تواند بر انگیزه تحصیلی دانش آموز تأثیر بگذارد.

- بیرامی، منصور؛ بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۸۹). «ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی». «مجله آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)». شماره ۱۰. صص ۷-۲۱. مطابق آنچه در این مقاله مطرح می شود، خانواده اولین پایه گذار شخصیت و ارزش های فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک زندگی آینده فرد دارد. در این میان حفظ ارتباط مثبت بین والدین و فرزندان باعث انگیزه آنان نسبت به موفقیت تحصیلی می شود. این پژوهش مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان مدارس راهنمایی سال سوم شهر ایلخچی بودند که از این جامعه دویست نفر دانش آموز (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) با استفاده از جدول مورگان و به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه سبک های فرزندپروری بامریند و معدل پایانی دانش آموزان در کلاس سوم راهنمایی به عنوان شاخص پیشرفت تحصیلی استفاده شد. داده ها به کمک روش های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون تحلیل شدند. نتایج پژوهش نشان داد پیشرفت تحصیلی با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه مثبت معنی دار و با سبک های فرزندپروری سهل گیر و مستبدانه رابطه منفی و معنی داری دارد. نهایتاً با استفاده از تحلیل رگرسیون گام به گام مشخص شد که شیوه تربیتی مقتدرانه پیش بینی کننده قوی برای متغیر پیشرفت تحصیلی است. بنابراین از آنجایی که شیوه تربیتی والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اهمیت بسزایی دارد لذا آموزش والدین درباره شیوه های تربیتی نوجوانان می تواند باعث موفقیت تحصیلی آنان در تحصیل شود.

- میرزایی کوتنایی، فرشته؛ شاکری نیا، ایرج؛ اصغری، فرهاد. (۱۳۹۴). «رابطه تعامل والد- فرزند با سطح رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان». «مجله سلامت روان کودک (تحول روان شناختی کودک)». شماره ۵. صص ۱۲-۲۴. در چکیده این مقاله می خوانیم: ت عامل مطلوب والدین با فرزندان در سازش یافتگی رفتاری، اجتماعی، و تحصیلی کودکان نقش بسیار مهمی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین تعامل والد- فرزند با میزان رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان انجام شده است. روش: مطالعه حاضر از نوع همبستگی در قالب طرح پیش بین است. جامعه آماری شامل تمامی دانش آموزان دختر پایه پنجم مشغول به تحصیل در دبستان

های دولتی شهر ساری در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ بود که تعداد ۲۵۴ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده اند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه رابطه ولی- فرزند (فاین، ارمورلند و اندروشوبل، ۱۹۸۳) و پرسشنامه پرخاشگری کودکان دبستانی (شهیم، ۱۳۸۵) استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از ضریب همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه صورت گرفته است. یافته ها: نتایج تحلیل همبستگی حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین تعامل والد-فرزند ( $r = -0.05$ ) و ابعاد آن با پرخاشگری کل و خرده مقیاس های آن بود. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که تعامل والد- فرزند می تواند با ۹۹ درصد اطمینان پرخاشگری کودکان را پیش بینی کند. نتیجه گیری: با توجه به رابطه معنادار بین نوع رابطه والد- فرزند با میزان رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان، می توان نتیجه گرفت که چگونگی تعامل والدین با فرزندان عامل مهم و تعیین کننده در نوع رفتار کودکان از جمله پرخاشگری آنهاست.

همچنین در این زمینه تعداد زیادی مقاله دیگر تألیف شده که هر یک به نوعی به مسئله رابطه والدین و دانش آموزان و نقش این رابطه در ضعف و قوت آموزش می پردازد که پرداختن به همه آنها خارج از ظرفیت مقاله حاضر است.

### ۳-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

نظر به نقش بسیار بنیادین و تعیین کننده نهاد آموزش و پرورش در سامان دهی دیگر نهادها از طریق تعلیم و تربیت نیروی انسانی و سهم عمده ای که آموزش و پرورش در شکل دهی به اندیشه و شخصیت نسل آینده دارد، هرگونه پژوهشی در این حوزه دارای اهمیت و ضرورت فراوان است مخصوصاً اگر این پژوهش، بررسی نقش والدین و خانواده در تعلیم و تربیت دانش آموزان باشد، زیرا والدین و خانواده پیش از مدرسه در شکل گیری شخصیت دانش آموزان سهم دارند و در دوره مدرسه هم می توانند نقش پررنگ خویش را حفظ کنند. بنابراین پژوهش حاضر که به نقش والدین در ارتقای سطح آموزش می پردازد، دارای اهمیت و ضرورت بسیار است.

## ۲- بحث

### ۲-۱- مدرسه چیست؟

مدرسه نهاد رسمی تعلیم و تربیت است، در مدرسه انسان کشف می شود، شکوفا می شود، توانمند می شود و در جامعه به کار گرفته می شود. مدرسه به عنوان مشتری خانواده عمل می کند، مدرسه کودکان را از خانواده ها می گیرد، بر روی آنها ارزش افزوده ایجاد می کند و سپس آنها را به جامعه تحویل می دهد. مدرسه برای تربیت کردن خیلی دیر است چون بسیاری از عادات رفتاری کودکان در خانه شکل گرفته است. در یک نگاه دوراندیشانه، مدرسه مکانی است که والدین آینده هم اکنون، در آنجا تربیت می شوند. نقش سنتی مدرسه به عنوان انتقال دهنده معلومات امروز به نقش های چالش برانگیزی تبدیل شده است که با توجه به تحولات شتابنده و سریع جامعه به ویژه عصر ارتباطات ضرورت یک بازنگری در فلسفه وجودی مدارس ایجاد می کند. دنیای جدید دنیایی پر از تناقضات، پیچیدگی ها، تفاوت ها و در نهایت کوچک شده است. جامعه از مدرسه انتظار دارد دانش آموزی را به آنجا بفرستد که بتواند با این دنیا سازگار شده و آن را اداره کند (کریمی، ۱۳۸۵: ۳۵).

مدرسه در قیاس با دانشگاه حتی سهم مهم تری در شکل دهی شخصیت انسان ها دارد، زیرا به مصداق «الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (درس خواندن و یادگیری در کودکی مانند نقش بر سنگ است)، آنچه در مدرسه آموخته می شود، زیربنای دیگر آموزش هاست و آموزش هایی که بعدها در دانشگاه و محیط کار ارائه می شود، بر سنگ بنایی نهاده می شود که آموزش مدرسه آن را ایجاد کرده است (افروز، ۱۳۸۳: ۱۵)، چنان که سعدی نیز در این باره می سراید:

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست نشود  
چوب تر را چنان که خواهی پیچ خشک جز به آتش راست

یکی از دوره های مهم هر نظام آموزشی در جهان، مدرسه است. مدرسه، دوره ای است که رشد و تربیت و تکوین شخصیت کودکان تأثیر بسزایی دارد. این دوره را دوره تأدیب، خلاقیت، بروز استعداد های عمومی و کودکی سوم گفته اند. مدرسه عبارت

است از یک واحد تربیتی که به وسیله یا با اجاز دولت برای تربیت کودکان تأسیس می‌شود (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۴).

## ۲-۲- رابطه خانه و مدرسه

وضعیت موجود هر جامعه‌ای نتیجه یادگیری دیروز افراد در خانه و مدرسه است و وضعیت فردای هر جامعه در نتیجه سرمایه‌گذاری‌هایی است که امروز روی دانایی افراد در خانه، مدرسه و جامعه انجام می‌گیرد. یک اصل مهم دانایی می‌گوید: آینده یافتنی نیست، بلکه ساختنی است اگر به دنبال ساختن آینده جامعه هستی بین خانه و مدرسه پل ارتباطی و دانش‌افزایی بزن و اجازه بده این پل از جامعه بگذرد. سه ضلع خانه، مدرسه و جامعه وقتی اهداف مشترک تربیتی را دنبال می‌کنند و دارای آرمان‌های مشترک، تعریف شده و شفاف بوده و بتوانند توافق عمومی را برای رسیدن به این اهداف جلب کنند، آینده‌ای درخشان خواهند داشت. اگر بین اولیا، مربیان و جامعه ارتباط منطقی، مشارکت‌جویانه و دوطرفه ایجاد نشود کارکرد این سه ضلع سه پاره‌خط جدا افتاده از همدیگر خواهد بود (عسگری و جزایری، ۱۳۹۷: ۸۳).

## ۲-۳- اهمیت نقش خانواده در فرزندان

نفوذ والدین در کودکان تنها محدود به جنبه‌های ارثی نیست، بلکه در آشنایی کودک با زندگی جمعی و فرهنگ جامعه نیز خانواده نقش مهمی را ایفا می‌کند. موقعیت اجتماعی خانواده، وضع اقتصادی آن، افکار و عقاید، آداب و رسوم، ایده آل‌ها، آرزوهای والدین و سطح تربیت آنان در رفتار کودکان نفوذ فراوان دارد. سه کارکرد اساسی خانواده عبارت است از:

۱- ارضای نیازهای عاطفی و روانی مرد و زن؛

۲- تداوم نسل انسانی؛

۳- پرورش و اجتماعی کردن فرزندان (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۸).

یکی از کارکردهای خانواده علاوه بر تولید نسل، کارکرد تعلیم و تربیت است. والدین به عنوان نخستین آموزشگران، اساسی‌ترین فعالیت‌ها نظیر راه رفتن، سخن گفتن، یادگیری لغات، ابزارهای اندیشیدن، روابط با اشیا و اشخاص، قضاوت درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و... را در خانه به کودکان می‌آموزند. امروز به جرات می‌توان گفت آینده هر کودکی به میزان دانایی و توانایی اولیا و مربیان یک جامعه بستگی دارد. هر جامعه‌ای که والدین توانمند و مربیان کارآمد دارد انسان‌های فرهیخته‌ای را به جامعه عرضه می‌کند که باعث تعالی جامعه می‌گردد. شرکای آموزشی خانواده در جریان تعلیم و تربیت با مدرسه شریک می‌شود تا به عنوان یک «بال» با هم‌افزایی و مشارکت مدرسه کمک کند تا فرزندان داناتر و تواناتر شوند و بتوانند در جامعه زندگی کرده و یک قدم بیشتر به خدا نزدیکتر شوند. اولیا و مربیان شریک آموزشی محسوب می‌شوند. والدین به عنوان اولین مربیان فرزندان بیشترین تاثیر را از نظر عاطفی، روانی، فکری و... روی فرزندان دارند (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳).

خانواده سالم فرزند سالمی را روانه مدرسه می‌کند و مدرسه سالم با داناسازی و معرفت بخشی به دانش‌آموزان آنها را تواناتر کرده و انسان‌های کارآمدی را به جامعه تحویل می‌دهد. جامعه‌ای که طالب انسان‌های کارآمد است بیشترین نگاه خود را ابتدا به خانه و سپس به خانه و مدرسه دوخته است. به نظر اکثر محققان شخصیت کودک در خانه ساخته می‌شود. جامعه به عنوان یکی از مشتریان اصلی نظام آموزشی تلاش می‌کند حتی قبل از تولد فرزندان، در خانواده‌ها، در نحوه ازدواج و گزینش همسر با آموزش دختران و پسران جوان دخالت کرده و برای فرزندان آتی جامعه از هم اکنون پدران و مادران کارآمدی تربیت کند. جامعه اسلامی به دنبال خانواده موفق است که انسان‌های به تعالی رسیده را به جامعه تحویل دهد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۶۵).

## ۲-۴- نقش ارتباط در اولین جایگاه تربیت

یکی از نیازهای اساسی والدین و مربیان در امر تربیت و پرورش اخلاقی کودکان، برقراری ارتباط سالم با آنهاست. ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان، اولین و مهمترین زمینه رشد و پرورش اخلاقی نونهالان است. اساس تربیت

سالم نونهالان جامعه، بستگی کامل به سلامتی خانواده دارد و سلامتی خانواده مستلزم ارتباط سالم بین اعضای خانواده است (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۵).

## ۵-۲- ارتباط موثر والدین با فرزند

نکات بسیاری در نحوه برخورد با فرزندان در سن جوانی مطرح شده است که در تمامی آن ها می توان به چند نکته مشترک رسید: احترام متقابل و دادن مسئولیت به جوان، اجازه تصمیم گیری و پذیرش تبعات آن. با این حال در ادامه چند توصیه کاربردی دیگر برای رفتار با جوان که کمتر شنیده شده است، ارائه خواهد شد (میرزایی کوتنایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲).

### ۱-۵-۲- احترام گذاشتن به شخصیت فرزند

والدین گرامی باید بدانند که هر قدر به فرزندان شان سخت بگیرند و به عبارتی بخواهند، راه را از چاه به آن ها نشان دهند بدون احترام گذاشتن به شخصیت آن ها نه تنها هیچ نتیجه ای نخواهند گرفت بلکه باعث پیامدهای ناگوار دیگری نیز خواهند شد. بعضی از والدین از این شکایت می کنند که فرزندان شان با آن ها غیر محترمانه برخورد می کنند که اگر دقت کنند، فرزندان آن ها سال ها در حال تماشا و ضبط چنین رفتارهایی در منزل بوده اند، رفتار والدین با یکدیگر یا با دیگر اعضای خانواده یا فامیل یکی از دلایل رفتارهای اشتباه جوانان با خانواده شان است. البته ناگفته نماند ریشه تمام بد اخلاقی فرزندان، تنها و به طور کامل در رفتار عینی و آشفته والدین نیست؛ برای مثال وجود تبعیض سهوی و ناآگاهانه بین فرزندان به دلایل مختلف موجب خشم فرزند می شود و حتی رابطه بین فرزندان را نیز به هم می زند در صورتی که از نظر والدین هیچ خطایی در نحوه برخورد با فرزندشان مرتکب نشده اند ولی در واقع این گونه نیست (عسگری و جزایری، ۱۳۹۷: ۱۶).

### ۲-۵-۲- اهمیت مسئولیت سپاری به فرزند

هر قدر هم به جوانان احترام بگذارید و محبت بی دریغ ارزانی شان کنید ولی به آن ها مسئولیت هایی در حد توان شان نسپارید، نه تنها موفقیت آن ها را در آینده تضمین نمی کنید بلکه موجب پر توقع شدن و به زبان ساده، لوس شدن آن ها می شوید. متأسفانه بعضی والدین به دلایل مختلف از جمله تعجیل در انجام امور، احساس تجربه داشتن و بی تجربه بودن جوانان، ترس از خطای جوان و هدر رفتن وقت و سرمایه در حوزه های تحصیل، شغل و ازدواج بارها به جای فرزندان شان تصمیم می گیرند. والدین باید توجه داشته باشند، بیشتر جوانان به طور غریزی از این چالش ها استقبال می کنند و به شدت دوست دارند، توان و هوش حل مسئله خود را بیازمایند (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۷۲).

### ۳-۵-۲- ناکامی ارتباط دستوری با فرزند

یکی از تدابیری که در راستای بهبود ارتباط با جوانان به خانواده ها توصیه می شود، تغییر چارچوب روابط در دوره جوانی در قیاس با دوره قبل از جوانی (نوجوانی و کودکی) است. در دوره کودکی، خانواده ها با کودکان رابطه ای برقرار می کنند که مشتمل بر امر و نهی هاست و در برگیرنده دستورات مشخصی از انضباط و رعایت موازین اخلاقی است. لازمه برقراری این نوع رابطه، آن است که خانواده ها در موضع بالا و حاکمیت و کودک در موقعیت فردی که دستورات مشخصی را دریافت می کند، قرار بگیرد و به عبارت دیگر رابطه والدین و کودک رابطه ای است عمودی یعنی مشتمل بر ارتباطات دستوری و تحکمی که از بالا به پایین اعمال می شود. چنین چارچوبی از دوران بلوغ به هم می ریزد و رابطه موجود باید به رابطه مطلوب که رابطه ای افقی است، تغییر کند. در چنین وضعیتی، والدین به جای این که از موضع بالا به پایین برخورد کنند، خود را در سطحی مساوی با نوجوان خویش قرار می دهند و رابطه به جای آن که دستوری و تحمیلی باشد، رابطه ای است بر اساس همدلی، تفاهم و درک وضعیت نوجوان که مطلوب ترین نوع چارچوب ارتباطی محسوب می شود (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۷۸).

## ۶-۲- وظایف خانواده ها در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان دبستانی خود

خانواده در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان دبستانی خود وظایفی به عهده دارد که چند مورد آن به شرح ذیل است:

### ۱-۶-۲- برنامه ریزی برای امور آموزشی فرزندان در منزل

داشتن برنامه و نهادینه نمودن آن، رمز موفقیت برای هر فرد در زندگی شخصی و اجتماعی به شمار می‌آید. مکمل برنامه تحصیلات فرزندانمان در مدرسه، داشتن برنامه ای منظم در خانه برای انجام تکالیف و مرور برنامه‌های مدرسه است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۵۴).

#### ۲-۶-۲- آشنا کردن دانش آموزان به پذیرش درس خواندن و انجام تکالیف

انجام دادن تکالیف برای فرزندان ما در محیط خانه باید به صورت یک فرهنگ در آمده و به عنوان یکی از برنامه های عادی روزانه برای آنان نهادینه گردد (بیابانگرد، ۱۳۸۶: ۳۶).

#### ۲-۶-۳- فراهم کردن شرایط مناسب و فضای امن خانوادگی

ایجاد فضا و بستری مناسب برای درس خواندن فرزندان در منزل از نظر شرایط فیزیکی مناسب و شرایط روانی مناسب قابل توجه است (افروز، ۱۳۸۳: ۷۲).

#### ۲-۶-۴- ارتباط با مدرسه و مربیان برای آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزندان و تلاش برای رفع کاستی‌ها.

یکی از مهم ترین اموری که والدین برای مشارکت در برنامه ریزی تحصیلی و مساعدت به فرزندان خود باید عهده دار گردند تماس و ارتباط مستمر با مدرسه ی فرزندان خود است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۵).

#### ۲-۷- عوامل موثر بر یادگیری دانش آموز و وظایف خانواده‌ها

بسیاری از والدین علاقه‌مندند در خصوص یادگیری و عواملی که یادگیری را ممکن و یا میزان آن را افزایش می دهد مطالبی بدانند. حتی دانش آموزان مایلند بدانند که چگونه و تحت چه شرایطی یادگیری بهتر صورت می‌گیرد و آنان چگونه می توانند از زمانی که در اختیار آنهاست، به مطلوب ترین صورت برای یادگیری بیشتر در زمینه مورد علاقه خود استفاده کنند (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۸۴).

تمامی برنامه های درسی و تمامی تلاش های معلمان به قصد ایجاد رفتار یا نگرشی خاص در افراد صورت می‌پذیرد و یادگیری پایه و اساس چنین رفتارها و نگرش هایی است. یادگیری مهم ترین روش کسب رفتارهای مطلوب است که عواملی مانند آمادگی، تجربیات قبلی، فعالیت دانش آموز، نقش محرکهای درونی و بیرونی و معلم در آن تأثیر دارد. در خانواده‌ای که ارتباط آن با فرزند دانش‌آموزش موفق باشد، نه تنها مشکلات مورد بررسی قرار می‌گیرند و تلاش برای حل آنها صورت می‌گیرد، بلکه ظرفیت‌ها و استعدادهای افراد تا مرز خود شکوفایی مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان: ۶۵).

در خانواده موفق، توجه والدین غالباً معطوف به آینده است و در آینده زندگی می‌کنند. آنان به هدفی نیاز دارند که توجهشان را به آینده معطوف سازد. والدین در چنین خانواده‌ای دارای از هویتی پرمعنا، روشن و منسجم برخوردار هستند. افراد نه تنها به رشد و پیشرفت خویش، بلکه به اعتلای جمعی اعضای خانواده می‌اندیشند و برای تحقق آن، طرح و اندیشه جدیدی را ارائه می‌دهند. در خانواده موفق، کار و مسئولیت، به زندگی معنا و دوام می‌بخشد. در چنی خانواده‌ای، تلاش والدین در قبال فرزند دانش‌آموزشان معطوف به دستیابی به «تجربه والا» است نه سرکوب ظرفیت‌های آن‌ها. همکاری و اشتراک مساعی والدین با فرزندان دانش‌آموزشان موجب تحقق این هدف می‌شود.

والدین موفق در ارتباط‌گیری با فرزندان دانش‌آموز خویش، به هنگام تفسیر و تعبیر وقایع و رویدادهای زندگی، دید خوش‌بینانه دارند. این خوش‌بینی به فرزندان آنان نیز منتقل می‌شود و موجب روشن‌بینی آنان می‌شود و امید به آینده را در آنان می‌پروراند و با این امیدواری، دانش‌آموزان، انگیزه بیشتری برای یادگیری و بالا بردن سطح وجودی خویش در جامعه و هستی خواهند داشت (عسگری و جزایری، ۱۳۹۷: ۷۲).

چنین والدینی روی دانایی فرزندان خویش سرمایه‌گذاری می‌کنند و می‌دانند که دانش آموز با دانش‌افزایی به رشد و تعالی خویش می‌رسد. برای سرمایه‌گذاری در دانش‌افزایی، والدین به فراهم کردن امکانات مادی و ضروریات ذهنی و معنوی فرزندان



خویش می‌پردازند و باور بر این است که این سرمایه‌گذاری، نهالی است که رشد می‌کند و بارها بیش از سرمایه، بار و ثمر می‌دهد و در عوض، اگر در دانایی فرزند، سرمایه‌گذاری نشود، هزینه نادانی و جهل فرزندان بسیار گران خواهد بود (افروز، ۱۳۸۳: ۹۳).

#### ۸-۲- همسویی والدین دانش‌آموزان و اولیای آموزشی مدرسه و نقش تربیتی آن بر روی فرزندان

خانه و مدرسه باید از جهت روشها و تفکرات همسوی یکدیگر باشند. دانش‌آموزان زمانی می‌توانند مسیری مناسب و ثمربخش را طی کنند که قرارگرفتن آنها در محیط خانه و مدرسه در جهت یک هدف و مقصد باشد، زیرا خانه و مدرسه مشابه و مکمل یکدیگرند و رابطه خانه و مدرسه همچون جسم و جان در هم تنیده شده است. به طوری که هرگونه سستی و ضعف در هر یک از آنها به سختی بر دیگری تاثیر می‌گذارد و برعکس، سلامت روانی و اجتماعی هر کدام تضمین‌گر سلامت وجود دیگری است، زیرا بررسی چگونگی رابطه دانش‌آموز با خانه و مدرسه، پیچیدگی رابطه‌ها و داشتن برنامه درست تربیتی نیازمند تعامل و همدلی خانه و مدرسه است تا بتوانیم نسلی سالم پرورش دهیم و بر جامعه اثرگذار باشیم (باهنر، ۱۳۷۳: ۵۳).

حضور والدین در مدرسه و رابطه آنها با معلمان نیز برای دانش‌آموزان بیانگر تاثیر موقعیت جدید در آینده‌شان و اهمیت این موقعیت از دیدگاه والدین است. خانواده‌ای که برای تربیت و آرامش روانی فرزندان تلاش کرده اند، حال باید با برقراری ارتباط با محیط آموزشی تشخیص دهند که آیا رفتار اولیای مدرسه و هر یک از دبیران و مربیان در جهت اهداف آن خانواده و فرزندانشان است یا خیر از سوی دیگر باید با گسترش ارتباط زمینه شناخت بیش تراولیای مدرسه از دانش‌آموزان و روحیات آنها را فراهم کند (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۲۷).

#### ۹-۲- آثار تربیتی مثبت ارتباط خانه و مدرسه

به‌طور کلی اکثر پدران و مادران به فعالیت‌های آموزشی فرزندان خود علاقه‌مند بوده و در فراهم ساختن امکانات و تسهیلات لازم برای تحصیلات موفقیت‌آمیز فرزندان خود از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. در واقع هر پدر و مادری خواهان موفقیت فرزندان خویش است. بر مبنای یک احساس و سنت دیرین مشخص‌ترین مسوولیت خانواده در قبال زیست و رفاه فرزند خویش در تامین غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت و تربیت خلاصه شده است. غذا و پوشاک و مسکن در چهارچوب تسهیلاتی که خانواده برای خود فراهم می‌کند تامین می‌شود. در این سه زمینه فرزندان خانواده‌ها در کنار دیگر افراد خانواده از امکاناتی که نیازهای آنها را رفع می‌کنند بهره‌مند می‌شوند (بیرامی و خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۷۳).

بهداشت فرزندان خانواده در دو بعد مراقبت و پیشگیری و درمان یکی با مسوولیت و کوشش خانواده و دیگری با مباشرت پزشک و سازمان‌های درمانی شکل می‌گیرد. پدر و مادر به انگیزه علاقه‌ای که به حیات و سلامت فرزند خویش دارند، به فراخور امکانات اجتماعی و اقتصادی خود برای حفظ سلامت فرزند خویش اهتمام دارند. در مساله تربیت، به‌ویژه از لحاظ جنبه‌های عمومی اغلب نقش خانواده کمتر از آن است که انتظار می‌رود (افروز، ۱۳۸۳: ۲۶).

شرایط اجتماعی امروز وضعی پیش آورده است که در مجموع کوشش‌های پدر و مادر، آن تلاش عمده‌ای که به هدف مشخص تربیتی متوجه باشد تقریباً جایی ندارد و دستخوش اغماض و بی‌توجهی است. اولیای بعضی از خانواده‌ها هنوز تصور می‌کنند که وظیفه پدر و مادر تهیه امکانات مالی و مادی و تامین نیازهای اولیه فرزندان است و کار تربیتی را بایستی به مدارس واگذار کرد و با این نقطه دید که مساله تربیت به مدرسه محول است از مهم‌ترین نیازهای دوره رشد فرزندان خویش بی‌توجه می‌گذرند و احتمالاً به محض مشاهده رفتار ناپه‌نجان در فرزندان خود مدرسه و معلم و دیگر عوامل تربیتی مدارس را مقصر می‌پندارند (ملکی، ۱۳۸۹: ۶۵).

در جامعه امروز مدرسه عملکرد تربیت کودکان را در چارچوب هدف‌ها و برنامه‌های مشخص تربیت عمومی عهده‌دار می‌باشد. آموزش و پرورش عمومی به نیازهای تربیتی هر گروه در قالب هدف‌های کلی تربیتی و رشد، کم و بیش پاسخ می‌دهد اما طبیعت هر فرد را ویژگی‌هایی است که در قالب برنامه‌های عمومی نمی‌گنجد و به چاره‌جویی و اعمال روش‌های خاص نیاز دارد. هدف‌ها و سیاست‌های آموزش عمومی به شرایط طبیعی و متوسط هر گروه سنی متوجه است و مدرسه را معمولاً مجال آن نیست که



ضرورت‌ها و نیازهای تربیتی فرد را نیز تشخیص دهد و به صورت مطلوب دنبال کند. مجموعه این نگرش‌های اولیای دانش‌آموزان و مسوولان مدارس، شرایطی را فراهم می‌سازد که دانش‌آموزان تحت تاثیر برخی عوامل مخرب در فاصله بین خانه و مدرسه قرار گیرند. این عوامل در برخی مواقع چنان تاثیر عمیقی بر شخصیت، رفتار و امور آموزشی دانش‌آموزان بر جای می‌گذارد که کلیه تلاش‌ها و زحمات اولیا و مربیان و معلمان را بی‌ثمر می‌سازد (میرکمالی، ۱۳۷۹: ۲۳).

اینک در شرایط دشوار حاضر در هنگامه ورود به دوره تحولات فرهنگی و سیاسی جدید، به نظر می‌رسد که اولیا و متولیان دستگاه تعلیم و تربیت بیش از هر زمان دیگری لازم است کلیه عوامل تاثیرگذار بر رشد و شخصیت کودکان و نوجوانان را شناسایی و نسبت به کنترل عوامل بازدارنده اقدام کنند (افروز، ۱۳۸۳: ۵۳).

ارتباط سازنده والدین با مدرسه اعم از معلمان و خود دانش‌آموزان، نتایج و فواید مثبت بسیاری دارد که برخی از آنها عبارتند

از:

- ایجاد و تقویت روحیه تعامل در دانش‌آموز با حضور والدین
- فراهم شدن زمینه شناخت بیشتر از جنبه‌های شخصیتی و اجتماعی دانش‌آموز برای مدرسه
- بررسی میزان فعالیت هاومشارکت دانش‌آموز در مدرسه توسط والدین
- نظارت بروضعیت تحصیلی، بهبودبخشیدن آن وجلوگیری از بروز شرایط کاهش عملکرد و پیشرفت تحصیلی
- شناخت والدین از تعاملات اجتماعی فرزندانشان
- جلوگیری از بروز انحرافات اخلاقی واجتماعی
- ایجاد زمینه سلامت روانی دانش‌آموز و تعاملات اجتماعی صحیح‌تر او
- ایجاد زمینه پیشرفت تحصیلی وبهبود عملکرد دانش‌آموز
- اصلاح روشهای تربیتی خانواده برای بهبود وضعیت روانی تحصیلی او
- کاهش مشکلات فراروی والدین در ارتباط با خانواده وفرزندانشان
- کمک به تصحیح ذهنیت‌های منفی وتخریبی دانش‌آموز نسبت به بزرگسالان وجامعه
- شناخت بهتر وبیشتر مدرسه از دانش‌آموز و وضعیت خانوادگی او
- تقویت خودباوری واعتماد به نفس ضعیف این دانش‌آموزان
- حفظ و همسویی روشهای تربیتی خانه و مدرسه وجلوگیری از تضاد ودوگانگی رفتاری در دانش‌آموزان (عسگری و جزایری، ۱۳۹۷: ۶۳)

مدرسه می‌تواند با دریافت اطلاعات والدین در مورد فرزندانشان با وضعیت روحی وجسمی آنان آشنا شود وبرنامه وروش مناسب را برای جهت دهی آنها به سمت درس و بروز رفتارهای مطلوب اتخاذ کند. درسایه تداوم ارتباط والدین و مربیان است که رفتارهای نابهنجار وشرایط نامطلوب آموزشی دانش‌آموزان بهبود خواهد یافت و محیط آموزشی محیطی امن وهمراه با همدلی وهمکاری خواهد بود. یاری گرفتن اولیاءاز مدرسه نیز موجب شناخت بیشتر آنها از توان علمی آموزشی و وضعیت تربیتی فرزندانشان می‌گردد با برقراری ارتباط آگاهانه با مدرسه می‌توانند اقدامات لازم را جهت رشد وکمال فرزندانشان انجام دهند و با مدرسه هماهنگ تر عمل نمایند و این ضرورتی است که نباید از آن غفلت کرد وگرنه زمان، طعم تلخ پشیمانی را به همه ما خواهد چشاند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۵).

### ۳- نتیجه‌گیری

نخستین نهاد اجتماعی که بشر در آن پرورش یافته و عادت‌ها، رفتار و دیدگاههای اجتماعی فرد از کودکی در آن شکل می‌گیرد خانواده است و والدین بطور مستقیم و غیر مستقیم در تعیین رفتار کودک و نوجوان برای ورود به اجتماعات بزرگتر از خانواده، تاثیرگذار هستند. رابطه خانه و مدرسه تعاملی دوطرفه است. هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و

تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا وقابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است. این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان برعهده دارند. وقتی که رفتار معلمان و اولیای مدرسه و نیز رفتار پدر و مادر و اولیای خانواده باموازین تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک و رشد او مطابقت نداشته باشد، سلامت روانی و اجتماعی کودکان به مخاطره می افتد. پس در پرتو همدلی و همسویی این دو نهاد مهم آموزشی و تربیتی یعنی خانه و مدرسه، بسیاری از مشکلات و تنگناهای نظام تعلیم و تربیت حل خواهد شد.

محققان خانواده را امن ترین محیط اجتماعی می دانند و معتقدند بیش از ۸۰٪ شخصیت کودکان و نوجوانان در خانواده و در کنار پدر و مادر شکل گرفته و خانواده بعنوان اولین پایگاه تعلیم و تربیت و نخستین مدرسه کودکان نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد و در این راستا آموزشهای صحیح والدین برای رفتار مناسب با کودک از اهمیت والایی برخوردار است.

#### فهرست منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۳). روان شناسی رابطه ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- باهنر، محمدجواد. (۱۳۷۳). گفتارهای تربیتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۶). راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیرامی، منصور؛ بهادری خسروشاهی، جعفر. (۱۳۸۹). «ارتباط شیوه تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی مدارس شهر ایلخچی». *مجله آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*. شماره ۱۰. صص ۷-۲۱.
- تاجیک اسماعیلی، عزیزاله. (۱۳۸۳). *نگاهی به نقش های تربیتی خانه و مدرسه*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- صافی، احمد. (۱۳۷۶). خانواده متعادل. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- عبادی، غلامحسین؛ برون، رضا. (۱۳۹۲). *نبررسی رابطه تعارض زناشویی و نظارت والدین با انگیزه تحصیلی دانش آموزان*. *مجله مشاوره کاربردی*. شماره ۱. صص ۳۵-۵۰.
- عسگری، زهرا؛ جزایری، رضوان السادات. (۱۳۹۷). «رابطه والد- فرزند در مسیر موفقیت تحصیلی دانش آموزان دختر دبیرستانی در خانواده های مادر سرپرست». *مجله روان شناسی خانواده*. شماره ۲. صص ۳-۱۴.
- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۵). *اثرات پنهان تربیت آسیب زا*. تهران: انتشارات رشد.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۹). *ارتباط خانه و مدرسه در دوره ابتدایی*. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- میرزایی کوتنایی، فرشته؛ شاکری نیا، ایرج؛ اصغری، فرهاد. (۱۳۹۴). «رابطه تعامل والد- فرزند با سطح رفتارهای پرخطرانه دانش آموزان». *مجله سلامت روان کودک (تحول روان شناختی کودک)*. شماره ۵. صص ۱۲-۲۴.
- میرکمالی، سید محمد. (۱۳۷۹). *روابط انسانی در آموزشگاه*. تهران: نشر یسطرون.